

دین

هنر

سینما

دین، این مائده آسمانی
این هنر زیبای الهی
این القبای خودی و آشنایی
آنگاه با جان شیفته فرزندان آدم،
عجین می شود، که دل را ربوده
باشد.

دین، رمز شیفتگی و راز عشق
ورزی تا اوج عبودیت و بندگی است.
دین، زیباترین آهنگ زندگی
است.

دین، زیباترین زیباییها است.
مردمان، دلباخته و دلشده آند،
بی آن که خود بدانند، و قبل از آن که
خود بخواهند.

«و لکن الله حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ
زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (۷/ حجرات).
این است که وقتی غبار مهجوری
بر دل می نشیند.

وقتی زمزمه عشق خدا از لب نمی
تراود.

وقتی اشک محبت، در خلوت
محبوب از چشم نمی چکد.
دل کویر می شود، و چون بی
پناهی غریب در توفان شنهای داغ فرو

می ماند، زمین گیر می شود!
وقتی چشمه دلت به اقیانوس ژرف
و ناپیدا کران زلال محبت و زیبای
مطلق راه نداشته باشد!
وقتی امواج نگاهت، با فاصله ای
اندک به صخره های زمخت و بی روح
خواب و خور و هوس کوبیده شود.

وقتی کموتر روحت، در کاریز
تاریکی و نموری و کویر اندیشی، لانه
کرده باشد!

امیدت می خشکد، پوچ می بینی و
پوچ می شوی!

بودن برایت مفهومی ندارد و از این
که پس از این نامفهومی، هنوز هم
دوست داری که وجود داشته باشی،
در شگفت خواهی بود.

گرفتار تناقض می شوی!
از یکسو نگاهت، آرزوهایت،

احساست تا بی نهایت موج بر می
دارد، فضا می سازد و ادراک می کند،

و از سوی دیگر می شکنند، فرو
می ریزد چیرا که کموتر روح تو،
کموتر حرم انس و رواق عشق و گنبد
زیبایی است.

هر که می خواهی باش!
سفالگری در دخمه های نمور،
کفش گری نشسته در گذر گاه
عابران، سخنوری موعظه گر دیگران،
حکیمی درس آموخته حکمت نظری،
صاحب نظری در میدان علوم تجربی و
آشنایی به قوانین فیزیک و ...

هر که می خواهی باش!
وقتی در چهار دیواری نیازهای
کوتاه زندگی فرو مانده باشی، وقتی
چشمان اندیشه ات نزدیک بین و کوتاه
بین شده باشد، به هر حال دلت مرده
است و بودن برایت نامفهوم!

از نبودن نگران نیستی، هر چند از
رفتن می ترسی!

این در حالی است که شیفتگان از
نبودن در محفل یار، نگرانند و تشنگان
از دیر رسیدن به چشمه وصال،
اندوهگین!

شیفتگی چیست؟ تشنگی چیست
؟ امید و عشق و موج و نگاه و دشت و
فضا چیست؟

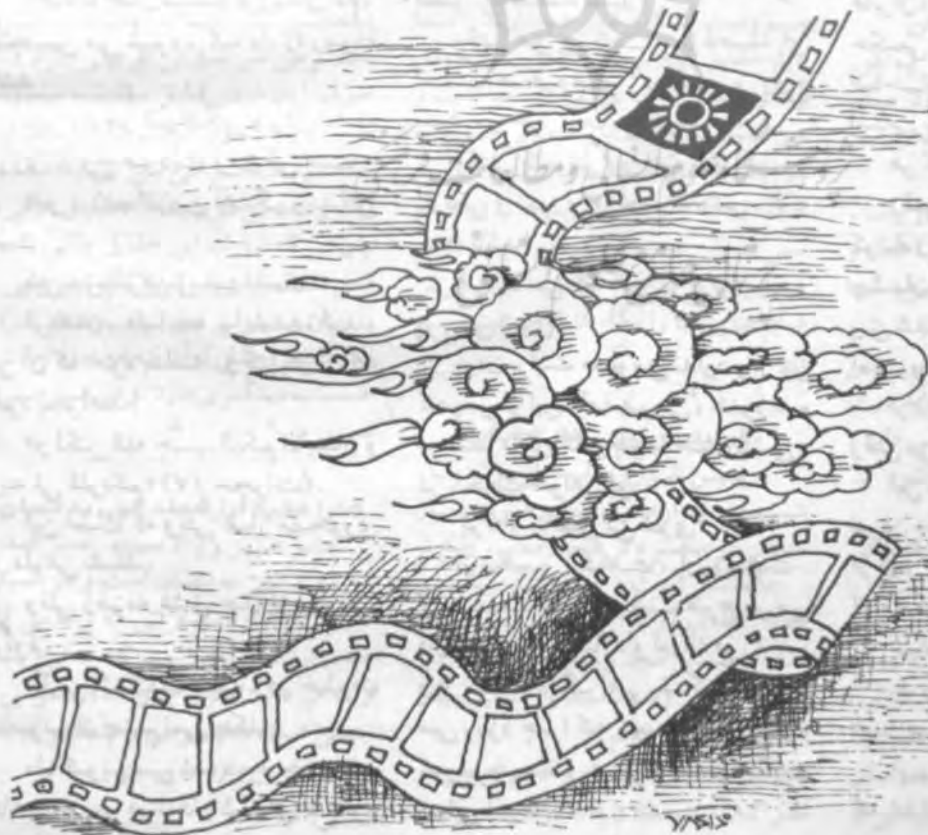
اینها همه واژه های هنر و زیباییند
که خداوند هستی در جای جای جهان



رزقکم من الطیبات» (۶۴/ غافر).
 «لقد خلقنا الانسان فی احسن
 تقویم» (۴/ التین).
 ۵. منادیان و یادآوران
 «رسولاً مبشّرین و منذرین
 لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد
 الرسول» (۱۶۵/ نساء).
 شایان توجه، این که هر چند
 معرفت و ادراک و تهذیب و صلاح،
 میوه نهایی حیات انسانی است، اما
 خداوند در پروریدن این شجره طیبه در
 وجود انسان و به ثمر نشاندن این ثمره
 ارزشمند، به انسان علاوه بر قوه
 ادراک، نیروی احساس که مهمترین
 آنها، دیدن و شنیدن است عطا کرده و
 در برابر این ابزار احساسی که نیاز پایان
 ناپذیر و عطش همیشگی او را به دیدن
 و شنیدن شکل داده است، فضای بی
 کرانی از آیات و نشانه ها و زیباییها و
 علّت ها، و امواج متنوعی از پیامها و

۱. احساس «وجعل لكم السمع و
 البصر» (۳۶/ اسراء).
 ۲. ادراک «وهو الذی انشأکم ...
 الافئدة» (۷۸/ مؤمنون).
 ۳. سرشت و فطرت (تمایل و
 کشش درونی) «فطرة الله التي فطر
 الناس علیها» (۳۰/ روم) و چه بسا آیه
 «ولكن الله حبیب الیکم الایمان و زینه
 فی قلوبکم» نیز در این معنا باشد.
 ۴. نمادها و جاذبه های بیرونی
 و تجسمی:
 «انا زینا السماء الدنيا بزینة
 الکواکب» (۶/ الصافات).
 «و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و
 زیناها للناظرین» (۱۶/ حجر).
 «ومن الجبال جدد بیض و
 حمر مختلف الوانها» (۲۷/ فاطر).
 «الم تر ان الله انزل من السماء ماء
 فتصبح الارض مخضرة» (۶۳/ حج).
 «و صورکم فاحسن صورکم و

و درون و برون، آنها را در معماری
 شگرف خود بکار بسته است و در نظام
 شریعت بدانها راه نموده است و در
 کتاب آسمانی اش هر کدام از آنها را
 غایتی و اشارتی و کلمه ای نام داده
 است.
 اگر مفسران در ریشه یابی واژه
 «الله» گفته اند نام پروردگار از «وله» و
 از واژه شیفتگی اشتقاق یافته است،
 سخنی به هنجار است، چرا که در هر
 کجای هستی از خود نشانه ای و هنری
 و جاذبه ای بر جای نهاده است. و در
 اوج جلوه گری و هنر نمایی، در بلور
 قلبها حضور یافته، هر چند از امواج
 کوتاه نگاه ما پنهان مانده است.
 «لا تُدرکه الابصار و هو یدرک
 الابصار» (۱۰۳/ انعام)
 این رمز شیفتگی است و در فرایند این
 سرگشتگی و کوشش و کشش آدمی،
 عناصر چندی نهفته است:





نداها و نواها را به وجود آورده است. شاید در نگاه برخی عارفان و متعبدان، این احساس و این نمودهای تجسمی و حسی و ملموس، در برابر آن ثمره عقلانی و معرفتی، ناچیز و حقیر آید! اما این بینش، قطعاً بینش الهی و قرآنی نیست. چه این که خداوند انسان را به خاطر برخورداری از شنوایی، بینایی و سپس تعقل و ادراک مورد امتنان قرار می دهد و از او به خاطر این نعمت ها شکر و سپاس می طلبد ولی آنان گویی یک گام فراتر نهاده و بی واسطه به غایت که ادراک و تعقل است رسیده اند!

خداوند انسان را به شهود مظاهر زیبا و پر جاذبه هستی فرا خوانده و آنان به عزت و ریاضت و ...!

ره پویان راه انبیاء باید با الهام از معارف دین، همه ابزار بایسته و شایسته را در اوج کمالش برای بیان حجت های الهی و احیای قلب ها به یاد پروردگار و متخلّقی ساختن انسانها به اخلاق رحمانی و مؤدب ساختن جامعه به ادب الهی، به کار گیرند و از یاد نبرند که اساس هدایت خداوند بر زیبایی، جاذبه آفرینی، شهود، احسان، ادراک، بیان و شیفتگی استوار است.

در منطق دین، اکراه، خشونت، درشت گویی و تعصب و تقلید کور، هیچ جایگاه ارزشی ندارد.

خداوند با فروغ زیبای ستارگان، با ندای گرم و جاذب رسولان باترّئم نرم باران، با رویش دل انگیز جوانه ها و شکوفه ها، با درخشش تابش آفتاب، با وزش روح انگیز نسیم، با امواج آرام دریا و هزاران هزار نمود هنری و شوق انگیز تجسم یافته در هستی، مهر محبت خویش بر قلب آدمیان زده است.

دریغ است که منادیان دین، هنر را نشناسند و حرمت آن را در کار تبلیغ و هدایت خلق به سوی خدای ارزشها، ارج نهند!

دریغ است که مرشدان و هدایت گران جامعه بشری، به جای استفاده از همه مظاهر بیان و نمود، تنها به گفتار، آن هم به شکلی بی جاذبه، خسته کننده و کم تأثیر اکتفا کنند و ابزار توانمند هنر و بیانهای هنری را در اختیار دیگران را قرار دهند و دستان خود را ببندند و در هجوم مهاجمان دین ستیز، فریاد دینمداری برآورند، بی آنکه کسی صدایشان را بشنود و یا ارج نهد!

مگر نه این است که خداوند می فرماید «و ما أرسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم» (۴/ ابراهیم). یعنی: ما هیچ رسولی را نفرستاده ایم مگر به زبان قومش، تا برای آنان بیانگر باشد.

ایا این آیه برای کسانی که می خواهند راه انبیاء را تداوم بخشند حامل این پیام نیست که باید زبان فرهنگی و خطابی و تبلیغی آنان متناسب با زبان و نیاز و ادراک مخاطبانشان باشد تا بتوانند مقصود را با آنان برسانند!

در روزگاری که سینما، تصویر، هنر، داستان، رمان و شعر، نسلها را به شکلی شگفت مجذوب خود ساخته است و گاه یک برنامه تصویری و سینمایی قادر است که گریز پاترین مستمعان و نظاره گران را ساعتها روی صندلی سینما و یا در برابر صفحه تلویزیون محذوب و شیفته، نگاهدارد.

در روزگاری که در هر روز به اندازه چند هفته برنامه هایی پر جاذبه برای نسلهای جوان و نوجوان و کودکان تهیه و تدارک و پخش می شود. ما در کجای کاریم، چه می کنیم، چه می گوئیم و با چه ابزاری و با چه میزان برد و کارایی، معارف و مطالب دینی را به نسل خود ابلاغ می کنیم.

مثل ما در جامعه فرهنگی و تبلیغی و بیانی کنونی، مثل بنی اسرائیلی است که وقتی در کنار دروازه های سرزمین

مقدس قرار گرفتند و مأموریت یافتند تا خود فاتح دروازه های آن باشند، به موسی گفتند: «یا موسی انا لن ندخلها ابدأ ما داموا فیها فاذهب انت و ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون» (۲۴/ مائده).

یعنی: ای موسی! ما هرگز بدان شهر داخل نخواهیم شد، ما این جا می نشینیم تو و پروردگارت بروید و با آنها تیرد کنید.

اکنون ما نیز شهر هنر! سینما! تاتر و داستان و راهکارده و زحمت ورود بدان را به خود نمی دهیم. بلکه برای خود عار و ننگ می دانیم. ما و سینما، ما و سناریونویسی، ما و نقد فیلم و داستان، ما و وقت گذاری برای این زمینه های فساد!

ولی، این ابزار نیرومند و کار آمد که امروز در دنیا علیه دین و آرمان الهی انبیا و ارزشهای والای انسانی به کار گرفته می شود، در نهاد خود، یک ارزش و توان و زیبایی است و اگر این نیرو در دستان اهریمن سلطه و استعمار جهانی قرار گرفته، از آن رو است که حامیان شریعت انبیا، فتح این قلعه ها در شأن و ذی خود ندیده اند.

این است که باید سالهای سال سرگردان و نگران فرو ماند که با این هجوم و تهاجم چه باید کرد.

این پرسشی دشوار است، البته پرسیدنش آسان و پاسخ گفتنش دشوار است!

ولی این مقدار می توان گفت که باید باورهایمان، نگاههایمان و گذاریمهایمان، نگاههایمان و انتظاراتمان را نسبت به ابزار بیانی و تبلیغی و همچنین نسبت به شیوه های پیام رسانی و تأثیر گذاری و هدایتگری مورد تأمل قرار دهیم.

زیبایی، هنر، جاذبه آفرینی، احساس و واقع نگری را باور کنیم.

«نگاه حوزه»